

بررسی موردی حقوق جزایی اطفال با نگاهی بر حقوق جزایی اطفال سایر کشورها

حیدر مطلب فائد^۱

^۱ دکتری حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

چکیده

قانون راجع به مجازات اسلامی فصل هشتم خود را به حدود مسئولیت جزایی اطفال اختصاص داده است. عنوانی که ظاهر نمودار شناخت قلمرو مسئولیت کیفری، حدود و ثغور و نیز محدودیت های آن است ولی با دقت در مواد مختلف این فصل (مواد ۲۶ تا ۲۷) می توان گفت که حدود مسئولیت جزایی به طور دقیق شناخته نشده و باب تفسیر در متون جزایی را به شکل موسع و به آسانی گشوده است. مساله ای که در تجربه سال های اخیر آزموده شده است و آزمودن خطاست. منطق تفسیر مفیق قوانین کیفری جهت جلوگیری از این اشکالات است و انگهی اگر تکلیف تعریف جرم و تعیین مجازات با قانون است و این مساله در ماده ۲ قانون راجع مجازات اسلامی صریحاً عنوان شده نمی توان در متون جزایی موادی محارص با ماده ۲ که ناظر بر کلیه مواد آن است ایجاد کرد. وجود این تضاد در بحث از مسئولیت جزایی از مسئولیت جزایی با برجستگی کامل مشخص می گردد و لذا به تحلیل مواد ۲۶ تا ۳۴ احساس می شود. در این مقاله با نگاهی عمیق تر این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: حقوق جزایی اطفال، قانون، مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری

مقدمه

آمارها نشان می دهد که گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال بیش از دیگران دچار بزهکاری و انحراف می شوند و از آن جا که درصد عمده ای از جمعیت کشور را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند، لازم است این مهم توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مهمترین مباحثی که در مجازات کودکان و نوجوانان بزهکار مطرح می شود، مبحث بلوغ است. بلوغ پایان کودکی و آغاز یک مرحله جدید در زندگی انسان است. لذا ضرورت دارد که مفهوم و مشخصات آن مورد بررسی قرار گیرد تا معیار درستی برای شناخت کودکان و تفکیک آن از بزرگسالان به دست آید (پنال^۱، ۲۰۱۳).

سن مسئولیت کیفری از مسائل مهم و چالش زا در سیستم های حقوقی عصر حاضر به شمار می آید. اهمیت این موضوع در نظام های حقوقی و قواعد کیفری کشورهای اسلامی از آن جهت است که اکثر قریب به اتفاق این کشورها خود را متعهد به رعایت احکام شریعت و فقه جزایی اسلام می داند و برای تأمین این منظور، نهادهای نظارتی به حکم قانون اساسی شکل گرفته است که وظیفه و مأموریت اصلی و بنیادی آنها بررسی موافقت مقررات مصوب در نهادهای تقنینی و یا حداقل عدم مخالفت آن مقررات با فقه اسلامی است و در صورت عدم تأمین نظر این نهادها از سوی قانونگذار، قوانین مصوب به تأیید نهایی برای اجرا نمی رسد. جامعه بشری همیشه شاهد افراط و تفریط هایی بوده است. به طوری که اصول حاکم بر جرائم و مجازات ها که امروزه به عنوان اصول بدیهی و غیرقابل انکار پذیرفته شده، در جوامع مختلف رعایت نمی شود چنان که جامعه بشری، شاهد مجازات کودکان و مجانین بوده است (مک دیارمید^۲، ۲۰۱۳).

متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی قوانین مربوط به اطفال بزهکار و مسئولیت کیفری آن ها تغییر کرد. در قوانین مزبور چند نکته اساسی در مورد مسئولیت کیفری اطفال محل بررسی است:

- اولاً سن بلوغ و آمادگی برای پذیرش تکالیف و مسئولیت های قانونی کاملاً تغییر یافته است.
- ثانیاً عدم مسئولیت اطفال صریحاً به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.
- ثالثاً اطفال در موارد استثنایی و بنا بر دلایل خاص عقلی یا نقلی مسؤول شناخته می شوند. بعلاوه در شرایط خاصی عاقله طفل مسئولیت جبران خسارت جرایم طفل را بر عهده می گیرد (هاشمی، ۱۳۸۳).

طفل کیست؟

مطابق مقررات موجود طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است و سن بلوغ شرعی در کشور برای دختر ۹ سال و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است طبق تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی طفل در قانون تعریف واحدی ندارد و بر حسب جنسیت تفاوت پیدا می کند (هاشمی، ۱۳۸۳).

مسئولیت کیفری اطفال در ادوار مختلف

الف) تحولات تاریخی: تاریخچه اطفال بزهکار و نوجوانان در جوامع اولیه با سرگذشت غم انگیزی همراه بوده است. در این ایام به هیچ وجه مسئولیت اخلاقی در بین نبود. مسئولیت آن زمان «مسئولیت مادی» بود، خواه چنین شخصی از سلامت عقل

^۱ Penal

^۲ McDiarmid

بهره مند باشد یا خیر حتی در بعضی موارد مجازات جرایم غیر عمد نیز شبیه جرایم عمدی بود. همین موارد باعث شد که هیچگونه توجهی به شخصیت بزهکارنشود و مسئولیت او مطلقاً مورد نظر قرار نگیرد تا بر حسب آن مجازاتی معین و اجرا گردد (ولیدی، ۱۳۷۳).

ب) شرایط مسئولیت اطفال در مذاهب: پس از پیدایش مذاهب، خاصه مذهب مسیح و مذاهب اسلام موضوع مسئولیت مادی و همچنین مسئولیت کیفری از اعمال دیگران از بین رفت. از نظر مذهب، مفهوم جرم مترادف با مفهوم گناه است و همانطور که ارتکاب گناه فقط و فقط شخص گناهکار را در معرض عذاب الهی قرار می دهد، به همان ترتیب نیز ارتکاب جرم باید فقط شخص مجرم را در معرض مجازات قرار دهد. سرایت مسئولیت به اقوام و کسان مجرم امری بر خلاف مذهب است. این دوره قوانین جزائی تحت تاثیر «تعالیم اخلاقی» قرار گرفته است و هدف مجازات حفظ نظم و خیر اجتماع و قصاص مایه حفظ زندگی انسان هاست

ج) شرایط مسئولیت اطفال در مکتب تحقیقی: تعیین علل بزهکاری در جرائم بطور کلی یکی از دست آوردهای مکتب تحقیقی است. مکتب مزبور در اواخر قرن نوزدهم معتقد گردید که برای موفقیت در امر بزهکاری بایستی عللی که منجر به وقوع جرم گردیده شناخته شود و با این مبارزه گردد والا مبارزه با معلول، آن هم تنها بوسیله مجازات به هیچ عنوان کافی نمی باشد (مناقبی، ۱۳۸۱).

د) مسئولیت کیفری اطفال از نظر قانونی: مهم ترین عاملی که جرائم اطفال و نوجوانان را از نظر بزهکاری بزرگسالان جدا می کند، عامل سنی است. تعیین شروع بزهکاری با مطالعه نظریات جرم شناسی و هم چنین قوانین کیفری مربوط می باشد

مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عند الاقتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد" و در تبصره همین ماده منظور از طفل مشخص شده و مقنن اضافه می نماید که منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. "بلوغ در لغت به معنی رسیدن به امری است و در اصطلاح جرم شناسی به دومین مرحله از مراحل دوران زندگی گفته می شود". (مهر، ۱۳۸۵).

منظور از رشد در لغت و در اصطلاح حقوقی

رشد در لغت به معنی هدایت است و آن حالتی است در انسان که مانع از تضییع مال و صرف آن در راه های غیرعقلانی می شود و از نظر حقوقی، رشد کیفیت نفسانی است که دارنده آن می تواند نفع و ضرر در رشد مدنی یا حسن و قبح در رشد جزائی را تشخیص دهد.

ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال

در صورت ارتکاب جرم توسط کودک پرونده کیفری او مستقیماً در دادگاه مطرح می شود و تحقیقات مقدماتی از او در دادسرا به عمل نمی آید. برای رسیدگی به جرائم اطفال ابتدا دادگاه به سرپرست طفل اعلام می نماید تا همراه او در دادگاه حاضر شود

و یا اینکه برای طفل وکیل معرفی کند. و در صورت عدم حضور سرپرست طفل و یا خودداری از معرفی وکیل دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین می کند. و چنانچه طفل فاقد سرپرست باشد به دستور دادگاه طفل تا زمان صدور رای در کانون اصلاح تربیت بطور موقت نگهداری می شود (محمدی، ۱۳۸۳).

کودکان در قانون جدید مجازات اسلامی

یکی از ایراداتی که همواره منادیان حقوق بشر و حقوق کودکان به قوانین ایران می گرفته اند سن مسئولیت کیفری بوده که در قانون جدید اصلاحاتی در این زمینه صورت گرفته است که قانونگذار تلاش کرده است با ملاک قرار دادن «رشد عقلی» علاوه بر میزان سن راهکار عملی در اختیار دادگاه و قاضی قرار دهد تا برای کودکان از صدور مجازات های حدی چون قصاص خودداری کند و براساس ماده ۹۰ این قانون (در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا دررشد و کمال عقلی آنها شبهه وجود داشته باشد حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات های پیش بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد) (حجتی، ۱۳۹۲).

تاریخچه مسئولیت جزایی اطفال

مطالعه تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که تا قرن هفدهم در قوانین جزایی کشورهای اروپایی اطفال مانند بزرگسالان افراد بالغ از نظر جزایی مسئول و قابل مجازات بودند. چنانچه کودکان جرمی مرتکب می شدند آنها را مانند افراد بالغ محاکمه و به مجازات محکوم می کردند.

بنابراینچه حقوقدانان کیفری نوشته اند، در انگلستان در قرن هفدهم کودک ۹ ساله ای را به علت کشتن دوست خود به اعدام محکوم کردند. در این قرن در سایر کشورهای اروپایی نیز وضع کودکان از لحاظ ارتکاب جرم بدین منوال بوده است. تا اینکه در فرانسه و بعد از انقلاب کبیر، به موجب قانون سال ۱۸۱۰ عدم مسئولیت جزایی کودکان مورد توجه قرار گرفت. بر طبق این قانون کودکان تا سن ۱۲ سالگی چنانچه به جرمی مرتکب می شدند، مبری از مسئولیت جزایی شناخته می شدند و اطفال بیش از ۱۲ سال تا سن ۱۸ سالگی نیز در صورت ارتکاب جرم از عدم مسئولیت جزایی نسبی بهره مند شده بودند (دوگلاس، ۱۳۸۳).

در انگلستان طبق قانون سال ۱۹۳۵ دادگاههای عمومی نسبت به کودکان تا سن ۱۷ سال، به جای مجازات، تدابیر تربیتی اتخاذ می کردند. در آلمان نیز طبق قانون سال ۱۹۴۰ دامنه اقدامات تربیتی نسبت به کودکان توسعه یافته بود. در حقوق اسلام، دوازده قرن قبل از حقوق موضوعه کشورهای اروپایی، مسأله مسئولیت جزایی اطفال مورد توجه قرار گرفته است زیرا براساس قاعده شرایط عامه تکلیف بلوغ جنسی افراد ذکور و اناث ملاک مسئولیت جزایی است. برطبق این قاعده اطفالی که به مرحله بلوغ جنسی و توانایی مواجهه و آمیزش با جنس مخالف خود نرسیده اند، چنانچه مرتکب جرمی شوند از مسئولیت کیفری مبری هستند. این قاعده که در عصر ما در کلیه نظامات کیفری در مورد تشخیص مسئولیت جزایی اطفال لازم الرعایه است در آن ایامی که در کشورهای اروپایی اطفال بی گناهی که هنوز به بلوغ جنسی نرسیده بودند به خاطر ارتکاب جرم، مانند بزرگسالان مجازات می کردند. در حقوق اسلام این گونه اطفال بزهکار غیرمسئول مصون از تعقیب و مجازات بوده اند (مهرپور، ۱۳۹۲).

تعریف سن مسئولیت کیفری

سن و سال

چیزی که اطفال و نوجوانان بزهکار را از مجرمین بزرگسال جدا می نماید همین عامل سن است. این مسأله از گذشته های در مورد توجه ملل مختلف قرار گرفته و لذا در قانون گذاری های مختلف سعی بر آن گردیده که با تعیین یک محدوده سنی خاص میزان مسئولیت اطفال و نوجوانان را در قبال اعمال معارض قانون آنان مشخص نمایند. در حقوق روم قدیم، سن اطفال و میزان مسئولیت آنان در ارتکاب جرائم مورد توجه قرار گرفت و در قوانین کیفری مجازات اطفال بزهکار خفیف تر از مجازات بزرگسالان پیش بینی شد. در این قانون تشخیص قوه تمیز با توجه به سن به قرار زیر تعیین گردیده بود:

۱) کودکان کمتر از ۷ سال اعم از دختر و پسر غیر مسئول اعلام و در صورت ایجاد ضرر و زیان پدر ملزم به جبران خسارت بود.

۲) کودک غیرمميز و غیربالغ: ۷ تا ۹ سال برای دختران ۷ تا ۱۰ سال برای پسران.

۳) کودک ممیز غیربالغ: ۹ تا ۱۳ سال برای دختران و ۱۰ تا ۱۴ سال برای پسران که برای این دسته اخیر مسئولیت کیفری و مدنی مقرر گردیده بود (محمدی، ۱۳۸۳).

سن مسئولیت کیفری

منظور از سن مسئولیت کیفری سنی است که اطفال تا قبل از رسیدن به آن سن از مسئولیت کیفری مبری بوده و نمی توان با آن برخورد جزایی نمود. به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی که سن مسئولیت کیفری را با توجه به قانون مدنی ۹ و ۱۵ سال تمام قمری برای دختر و پسر قرار داده ارتکاب جرم تا قبل از این سنین طفل را در معرض مجازات قرار نداده و به عبارتی طفل تا قبل از رسیدن به این سنین فاقد مسئولیت کیفری شناخته می شود این در تایلند، سوئیس، و کویت و چند کشور دیگر ۷ سال و در زلاندنو، سیرالئون و انگلستان ۱۰ سال، در آلمان و فنلاند به ترتیب ۱۴ و ۱۵ سال می شد با این تفاوت که این سن تنها سن مسئولیت کیفری بوده و سن بلوغ با آن متفاوت می باشد (اصغری، ۱۳۹۲).

بلوغ

بلوغ در لغت به معنی رسیدگی و پختگی است. بدیهی است با توجه به تعریف سلامت، بلوغ در ابعاد جسمانی، روانی، عاطفی، معنوی و اجتماعی و درسین نوجوانی پی ریزی می شود. امروزه در دنیا سلامت نوجوانان به عنوان مطلبی مستقل مطرح شده است بر طبق تعریف، نوجوانی سنین بین ده تا نوزده سال را شامل می شود. بلوغ دوره ای از رشد طبیعی انسان است و بیشتر محققین براین باورند که سن شروع بلوغ طبیعی برای دختران ۹ الی ۱۶ سال و برای پسران ۱۰ الی ۱۷ سالگی است و در مجموع اصطلاح بلوغ به دوره ۱۲ تا ۱۸ سالگی اطلاق می شود و سن متوسط بدون توجه به پسر و دختر بودن ۱۱ سالگی تعیین می شود و این سن مقارن با دوره راهنمایی تحصیلی می باشد و توجه به آن برای والدین و مربیان دوره راهنمایی بسیار مهم و ضروری می باشد زیرا میزان بزه کاری در این دره از رشد افزایش می یابد. به بیان گویا تر دوره بلوغ و نوجوانی دوره ای از رشد انسانی است که در واقع فلسفه زندگی بزرگسالی فرد را آشکار می سازد. بلوغ، یک امر طبیعی است و نفس شارع مقدس، بیان امارات و علایم متداول است و هیچگونه تعبد شرعی در چنین زمینه هایی طبیعی درکار نیست (حجتی، ۱۳۹۲).

رشد

مفهوم لغوی

کلمه رشد به معنای هدایت است که در مقابل غی به معنای گمراهی و ضلالت قرار دارد. مطابق نظریه رشد، رشد و رشاد دارای معنای واحد و در مقابل غی قرار دارند اما برخی دیگر از اهل لغت، بر این عقیده اند که رشد و رشد با یکدیگر متفاوتند زیرا اولی به معنای صلاح و دومی به معنای استقامت در دین است.

معنای رشد اخص از رشد است زیرا رشد مربوط به امور دنیوی و اخروی است ولی رشد تنها مربوط به امور اخروی است در قرآن کریم واژه رشد غالباً در مقابل غی و به معنای صلاح و هدایت استعمال شده است (کمیتة حمایت از کودکان، ۲۰۰۰).

مفهوم حقوقی

اصطلاح رشد در بیشتر موارد به معنای حقوقی به کار رفته است اما می توان کاربرد آن را در امور حقوقی به دو معنای عام و خاص تقسیم نمود:

(۱) رشد حقوقی به معنای عام: منشاء این اصطلاح آیه شریفه فان انستم منهم رشد افادفعوا اليهم اموالهم می باشد. براساس روایت منقول از امام صادق (ع)، مقصود از رشد در این آیه شریفه، توانایی شخص بر حفظ و اداره اموال است که از آن به عقل معاش نیز تعبیر می شود. با توجه به این معنا، سفیه به کسی اطلاق می شود که توانایی حفظ اموال خود را ندارد و در نتیجه اموال خود را در جهت اهداف نادرست صرف می نماید.

(۲) رشد حقوقی به معنای خاص: این نوع رشد برای فردی حاصل می شود که علاوه بر توانایی حفظ اموال، از نظر اخلاقی نیز از عدالت برخوردار باشد. بر مبنای این نظریه هرگاه شخصی فاقد یکی از این دو شرط باشد، محجوریت مالی او همچنان باقی خواهد بود. استدلال ایشان این است که در آیه شریفه، رشد شرط شده و کسی که فاسق است متصف به غی می شود و متصف به چنین صفتی نمی تواند متصف به رشد باشد زیرا رشد و غی دو صفت متنافی با یکدیگر هستند.

همچنین ابن عباس در روایتی می فرماید: مقصود از آیه شریفه فان انستم منهم رشداً این است که شخص صغیر - ضمن بلوغ - از متانت حلم و عقل برخوردار باشد. البته براساس آیه شریفه لا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً. شخص فاسق، سفیه محسوب می شود از دیدگاه شیخ طوسی روایات بسیاری بر این موضوع دلالت دارد. این دیدگاه به عده ای دیگر از فقهای شیعه از جمله قطب راوندی نیز نسبت داده شده، حتی از جانب ابن زهره ادعای اجماع شده است. محقق حلی، نسبت به شرط عدالت، اظهار تردید نموده و علامه حلی مطلق عدالت را شرط نمی داند بلکه فقط تبذیر و اسراف در اموال را موجب حجر دانسته است (دلماز^۳، ۲۰۱۳).

مفهوم کیفری رشد

اصطلاح دیگری از رشد وجود دارد که می توان از آن به معنای عقل و توانایی فکری یاد نمود این اصطلاح، علاوه بر جنبه حقوقی، شامل مسائل کیفری نیز خواهد شد. این معنا از رشد به دو معنای عام و خاص قابل تقسیم است.

^۳ Delmage

الف (عقل در مقابل جنون

عقل به معنای عام در مقابل جنون قرار دارد. برخی از فقها واژه رشد را به معنای عقل استعمال نموده اند و مقصودشان از این قید، عقل در مقابل جنون بوده است.

علامه حلی برای مسئولیت کیفری اشخاص، علاوه بر بلوغ، رشد را نیز شرط دانسته است و همین موضوع سبب شده تا به ایشان این نظریه را نسبت دهند که مقصود علامه آن است که در مسئولیت کیفری علاوه بر بلوغ، رشد نیز شرط است با دقت در عبارات علامه حلی می توان بخوبی دریافت که مقصود ایشان از قید رشد در مسائل کیفری، رشد به معنای عقل می باشد (پنال، ۲۰۱۳).

ب (عقل در مقابل سفاهت

در این معنا عقل مضیق تر از مفهوم سابق است زیرا بر مبنای این اصطلاح عقل نه تنها در معنای مقابل جنون و صغر به کار می رود بلکه در مقابل سفیه و ابله نیز قرار می گیرد. این اصطلاح اگرچه برای کسانی که به معنای سنتی رشد آشنایی دارند تا حدود غریب و نامأنوس جلوه می نماید ولی اثبات اعتبار رشد به این معنی می تواند باب جدیدی را در مسئولیت کیفری افراد در فقه بگشاید اگرچه شیوه طرح این موضوع جدید است (هاشمی، ۱۳۸۳).

ولی اصل آن ریشه در منابع فقهی دارد. خداوند متعال می فرماید: فان كان الذی علیه الحق سفیهاً او ضعيفاً اولایستطیع ان یحلل هو فلیملل ولیه بالعدل ۰۰۰۰ این آیه اگرچه مربوط به مورد خاص مالی است ولی بر پایه برخی روایات از ملاک سفیهاً او ضعیفاً می توان استفاده عام نمود و به مطلق مسائل مالی تعمیم داد.

چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: انقطاع تیم الیتیم بالاحتلام وهواشده و ان احتلم و لوم یؤنس منه رشد و کان سفیهاً اوضعیفاً فلیمسک عند و لیه ماله. محدودیت مالی یتیم با احتلام پایان می یابد و این همان رشد او محسوب می شود و اگر محتلم شود ولی به حد رشد نرسیده باشد و هنوز سفیه یا ضعیف باشد بر ولی او لازم است تا از دادن اموالش به وی امتناع کند. بنابراین اصطلاح رشد به معنای عقل و بلوغ فکری نیز به کار رفته است و اصطلاح سفیه و ضعیف اختصاص به مسائل مالی که در قرآن و برخی روایات ذکر شده است ندارد و براساس روایاتی که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت رشد شامل مسائل کیفری نیز می شود و در واقع آن چه در تفسیر آیه رشد مطرح گردیده و آن را به امور مالی و توانایی بر حفظ مال تعریف نموده اند فقط بیان و تفسیر مورد آیه می باشد. از این رو رشد یک مفهوم عام است و نه یک مفهوم خاص، تا فقط شامل امور مدنی شود، بلکه شامل امور کیفری نیز می شود بدین معنی که رشد در امور کیفری نیز شرط است (ولیدی، ۱۳۷۳).

احراز رشد در مسئولیت کیفری (ارزیابی آیات رشد)**تفسیر اشد به ۱۸ سالگی**

واژه اشد در موارد متعددی از آیات قرآن به کار رفته است از جمله دو آیه از آیات شریفه قرآن در مورد یتیم می فرماید: « لا تقریبا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشد». در برخی دیگر از آیات، این واژه در باره اشخاص معینی هم چون حضرت یوسف و حضرت موسی استعمال شده است:

«سما بلغ اشد آتیناه حکماً و علماً، حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سند قال دب اوزغنی ۰۰۰»

در خصوص تفسیر این واژه دیدگاه های گوناگونی در نزد مفسرین مطرح است. بسیاری از آنان ضمن تعریف اشد به توانایی و رشد جسمی و عقلی آن را به سن معین تفسیر نموده اند. شیخ طوسی درباره معنای این واژه بیان می کند: بلغ اشد همان کامل شدن توانایی است و برخی گفته اند که این زمان از سن هجده تا شصت سالگی است و ابن عباس شروع این زمان را از بیست سالگی دانسته و مجاهد هم از سن سی و سه سالگی می داند (مناقبی، ۱۳۸۱).

در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر نورالثقلین، اشد به سن هجده سالگی تفسیر شده است. علامه طباطبایی در مورد تفسیر این آیه اظهار می دارد بلوغ اشد آنگاه محقق می شود که انسان به سنی برسد که قوای بدنی وی استحکام یابد و با از بین رفتن آثار کودکی، ارکان بدن او توانایی پیدا کند و این زمان از سن هجده سالگی شروع شده و تا سن پیری ادامه می یابد که در این زمان عقل انسان به کمال رسیده و رشد او کامل می گردد. در تفسیر دیگری اشد به سن هجده سال تفسیر شده است. هم چنین فیض کاشانی سن اشد را به هجده سالگی تفسیر نموده اند. در برخی دیگر از روایات سن بیست و هشت سالگی به عنوان سن کمال عقل عنوان شده است که البته این به معنای تعیین سن شروع عقل و رشد فکری نیست، بلکه به معنای نهایت و اوج کمال عقل است که تفسیرات مختلفی راجع به رشد یا اشد در این بحث وجود دارد (مهرا، ۱۳۸۵).

تفسیر اشد به رشد عقلی و فکری

در مورد حد اشد اختلاف نظر وجود دارد. ربیع، زید بن اسلم، مالک و ۴۰۰ حد اشد را رسیدن به سن احتلام دانسته اند و سدی این حد را سی سالگی می داند و جمعی هم براین عقیده اند که سن هجده سالگی حد اشد می باشد زیرا هجده سالگی سنی است که غالباً انسان به بلوغ و کمال عقلی می رسد. فیض کاشانی هم اشد را به سن احتلام و کمال عقل تفسیر نموده و سپس روایتی را نقل می نماید که براساس آن سن اشد رسیدن به حد احتلام و رشد تعیین گردیده است بنابراین مقصود از اشد همان سن رشد است.

تفسیر اشد به احتلام و بلوغ

در تفسیر بیان اسعاده ضمن توجه به رشد عقلی و فکری به جنبه کیفری آن توجه بیشتری شده است. وی در این باره می نویسد حتی یبلغ اشد مقصود از اشد، اشاره به توانایی تمام قوای بدنی و روحی یعنی همان بلوغ شرعی است که در پی آن تشخیص انسان و فهم خیر و شر بدنی و روحی اش، کامل خواهد شد. در این تعریف رشد عقلی و فکری و درک خیر و شر که جنبه کیفری نیز دارد، با سن بلوغ مترادف بیان شده و در واقع از دیدگاه ایشان اشد مترادف با بلوغ است. در مجموع روایاتی که سن بلوغ و احتلام را در پسران به سیزده سالگی تفسیر نموده اند این اشکال وجود دارد که با دیدگاه فقها منافات دارد زیرا بر مبنای نظر مشهور، سن بلوغ در پسران پانزده سالگی است و این بدان جهت بوده است که مشهور فقها در تعارض ادله، در مجموع سن پانزده سالگی را ترجیح داده اند (محمدی، ۱۳۸۳).

قبح عقاب بلا بیان

برخی مسئولیت کیفری را مشروط به رشد جزایی می دانند، زیرا کسی که رشد کیفری ندارد، در واقع آگاهی لازم برای ارتکاب عمل مجرمانه نخواهد داشت و چنین اظهار نموده اند: رشد جزایی عبارت است از آن که عقل به مرتبه ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص بدهد اما اگر کسی عاقل باشد ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می دهد آگاهی داشته باشد، رشد جزایی ندارد.

پس با عدم آگاهی و عدم تشخیص، در واقع شخص علم به حکم شرعی ندارد و از دیدگاه فقهی در صورت عدم علم به حکم یا موضوع، مسئولیت کیفری نیز منتفی می شود، زیرا در این فرض مشمول قاعده قبح عقاب بلایان خواهد بود و در این حال عمد و قصد که لازمه هر جرمی است منتفی می گردد. با توجه به مسأله قبح بلایان و قاعده درد، بعضی از فقها چنین اظهار می نمایند: سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله ها آمده است. منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال باید حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی، مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درد می گردد. یکی دیگر از فقها در پاسخ به این پرسش می نویسد: در اجرای حدود، اضافه بر بلوغ سنی، رشد عقلی و علم به حرمت هم لازم است (مهرپور، ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

از آن چه که تاکنون گفته شد می توان نتیجه گرفت که معیار بلوغ در حقوق اسلام همان بلوغ جنسی و رشد قوای غریزی و تناسلی است که به طور طبیعی در افراد ذکور و اناث برای مواقع و آمیزش با جنس مخالف و تولید مثل پدیدار می شود. زیرا در هیچ یک از آیاتی که در باره بلوغ وارد شده است، شارع مقدس سن معینی را معیار تشخیص بلوغ قرار نداده، بلکه ملاک بلوغ را منوط به رسیدن مرد یا زن به حد نکاح یا احتلام دانسته است.

به علاوه پیدایش بلوغ جنسی در نزد افراد، اعم از ذکور و اناث یک امر طبیعی است و جنبه عرفی دارد و چنانچه کسی به مرحله کمال جنسی نرسیده باشد عرفاً بالغ شناخته نمی شود و مشمول احکام تکلیفی و وضعی نخواهد بود. سن مسئولیت کیفری باید به گونه ای چشم گیری ارتقاء داده شود. طرح دوازده سالگی (برای سن مسئولیت کیفری) از سوی کمیسیون، بسیار پایین است و به اندازه لازم وضعیت کودکان را که دارای ضریب رشد مقاومت است در بر نمی گیرد. همین طور شرایطی را که بسیاری از کودکان مجبور به تحمل آن هستند به اندازه کافی شامل نمی شود. جرم انگاری کمکی در مسیر همسازی و تکامل آن نخواهد بود تا بعداً شهروندان مسئولیت پذیر و دارای نقش مثبت در جامعه شوند. سن دوازده سالگی برای مسئولیت کیفری با دیگر سنین برخوردار از حقوق و مسئولیت های اجتماعی هم خوانی ندارد. اگر سن مسئولیت بر مبنای بزرگسالی بنیاد نهاده شود، با اهداف «مقررات پکن» بیشتر سازگار است. ارتقاء سن مسئولیت کیفری تا شانزده سال، بیشتر به مصلحت کودک است البته این طرح ارائه خدمات پیشرفته برای کودکان، تأسیس نظام مبتنی بر حقوق آن ها و تأسیس مرکزی برای کودکان را ایجاب می کند و در عین حال بایستی خواسته های قربانی جرم نیز نباید نادیده گرفته شود.

منابع

- اصغری، عبدالرضا (۱۳۹۲)، نشریه مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳۷، ص ۱۳
- حجتی، مهدی (۱۳۹۲)، منبع اینترنت، قوانین معاونت آموزشی دادگستری استان تهران
- گیلیان، دوگلاس (۱۳۸۳)، حق کودک بر خطاکاری: مسئولیت کیفری و صغیر بالغ، ترجمه نسرين مهرا، آموزه های فقهی (الهیات و حقوق)، شماره ۱۳، صص ۲۱۶-۱۸۷.
- محمدی، قاسم (۱۳۸۳)، رشد عقلانی و حقوق جنایی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۴، صص ۲۳۲-۲۱۱.

مهرپور محمدآبادی، حسین(۱۳۹۲)، مطالعه برخی نوآوری های قانون گذار در لایحه مجازات اسلامی در دست تصویب، دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، کتاب دوم، نشر میزان.

مهر، نسرین (۱۳۸۵)، قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰، صص ۶-۴۱.

مناقبی، محمد تقی(۱۳۸۱)، سن مسئولیت کیفری، فصل نامه دانشجویی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۹۱-۹۲
ولیدی، محمد صالح(۱۳۷۳)، حقوق جزای عمومی، مسئولیت جزایی، مشارکت و مساعدت در جرم، جلد سوم، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۳

- هاشمی، حسین(۱۳۸۳)، دختران، سن رشد و مسئولیت کیفری، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۳، بهار ۸۳، صص ۲۵۱

- هاشمی، حسین (۱۳۸۳)، دختران، سن رشد و مسئولیت کیفری، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی شماره ۲۳، بهار ۸۳، صص ۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵

Committee on the Rights of the Child (۲۰۰۵), Concluding Observations of the Committee on the Rights of the Child: Iran (Islamic Republic of), CRC/C/۱۵/Add.۲۵۴, ۳۱ March.

Delmage, Enys (۲۰۱۳), "The Minimum Age of Criminal Responsibility: A Medico-Legal Perspective", Youth Justice, **SAGE Journals**, vol. ۱۳, No. ۲, pp. ۱۰۲-۱۱۰.

McDiarmid, Claire (۲۰۱۳), "An Age of Complexity: Children and Criminal Responsibility in Law", Youth Justice, **SAGE Journals**, vol. ۱۳, No. ۲, pp. ۱۴۵-۱۶۰.

Penal Reform International (۲۰۱۳), Justice for Children Briefing No.۴: The minimum age of criminal responsibility.